

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه قم

دانشکده الهیات و معارف اسلامی

پایان نامه کارشناسی ارشد، فلسفه و کلام اسلامی

ر.ا. طهارت تبریزی
تبریز

۱۳۸۱ / ۹ / ۲۴

موضوع:

۱۳۸۱ / ۹ / ۲۴

فلسفه اخلاق

ترجمه و نقد مقاله برنارد ویلیامز

استاد راهنما:

آقای دکتر محسن جوادی

استاد مشاور:

آقای دکتر امیر عباس علی زمانی

۴۲۵۹۷

نگارنده:

زهرا جلالی

تابستان ۱۳۸۱

تقدیم به:

ساحت مقدس حضرت ولی عصر (عج)

و

نائب برحقش رهبر فرهیخته و فرزانه انقلاب

اسلامی، حضرت آیه الله العظمی خامنه ای (مدظله العالی)

من لم يشكر المخلوق لم يشكر الخالق

با تشکر از

زحمات بی دریغ جناب استاد آقای دکتر جوادی
و راهنمائیهای مفید جناب استاد آقای دکتر علی زمانی

و با قدردانی از

همسر گرانقدرم جناب آقای حجة الاسلام جندقی
که در تمام مراحل، همواره مرا یاری و همراهی نمودند

و با سپاس از

پدر و مادر عزیزم که دعای خیرشان همیشه بدرقه راهم بوده است.

چکیده

موضوع این نوشتار، فلسفه اخلاق است. فلسفه اخلاق شاخه‌ای از فلسفه است که به تفکر فلسفی در باب اخلاق، مسائل و احکام آن می‌پردازد. دو حوزه اصلی فلسفه اخلاق، اخلاق هنجاری و فرا اخلاق است. در قرن بیستم و در میان فیلسوفان تحلیلی، میان این دو حوزه تمایزی مبنایی برقرار شد. فرا اخلاق بررسی فلسفی ماهیت، توجیه، عقلانیت، شرایط صدق و شأن احکام و اصول اخلاقی است. احکام و اصولی که بدون مضمون خاصشان در نظر گرفته می‌شوند. بنابراین از آنجا که فرا اخلاق، اخلاق و اصول اخلاقی را موضوع بررسی خود قرار می‌دهد، آن را نوعی مطالعه «درجه دوم» دانسته‌اند. در مقابل نظریه‌های اخلاق هنجاری، خود گزاره‌هایی اخلاقی هستند و بنابراین اخلاق هنجاری، مطالعه‌ای «درجه اول» است. فلاسفه تحلیلی که مشغله فلسفه اخلاق را منحصر در تحلیل زبان اخلاق می‌دانستند، مطالعات هنجاری اخلاق را از حیطه فلسفه اخلاق خارج کردند. چنین تفکری، چندان به طول نیانجامید و امروزه اخلاق هنجاری یکی از مهمترین موضوعات مورد بررسی فیلسوفان اخلاق است. فلاسفه معاصر اگر چه به موضوعات فرا اخلاقی همچون مباحث روانشناختی، معرفت شناختی، وجود شناختی و معنا شناختی اخلاق، اهمیت شایانی می‌دهند، در آشکار نمودن مواضع هنجاری خود نیز احساس آزادی بیشتری می‌کنند.

فلسفه اخلاق معاصر را می‌توان چالشی میان دو سنت واقع‌گرایی و غیر شناخت‌گرایی دانست. واقع‌گرایی اخلاقی، مدعیات اخلاقی را گزاره‌هایی صدق و کذب‌پذیر و بیانگر باورهای نسبت به واقعیت می‌داند. در مقابل غیر شناخت‌گرایی، معتقد است که مدعیات اخلاقی بیانگر هیچگونه باوری نیستند و بنابراین نمی‌توانند واقعاً صادق یا کاذب باشند. بر طبق دیدگاه غیر شناخت‌گرایی، مدعیات اخلاقی صرفاً بیان احساسات، نگرش‌ها یا توصیه‌هایی عملی هستند و بنابراین محتوای گزاره‌ای ندارند. برنارد ویلیامز (- ۱۹۲۹) که این نوشتار به ترجمه و بررسی یکی از مقالات او در زمینه فلسفه اخلاق اختصاص یافته است، یکی از مدافعان سنت غیر شناخت‌گرایی است.

کلید واژه‌ها: فلسفه اخلاق، اخلاق هنجاری، فرا اخلاق، واقع‌گرایی اخلاقی، غیر شناخت‌اخلاقی.

فهرست اجمالی

۲	مقدمه مترجم.....
۷	۱. اخلاق هنجاری.....
۱۶	۲. فرا اخلاق.....
۳۶	۳. سیر تاریخی.....
۴۴	۴. آشنایی با برنارد ویلیامز.....

فلسفه اخلاق

۴۸	نوشته برنارد ویلیامز.....
۵۳	۱. فلسفه اخلاق و فرا اخلاق.....
۵۶	۲. نظریه‌های اخلاقی.....
۶۹	۳. فرا اخلاق.....
۸۹	۴. روانشناسی اخلاقی.....

۱۱۲	یادداشت‌های مترجم.....
-----	------------------------

۱۴۸	فهرست اصطلاحات.....
-----	---------------------

۱۵۴	واژه‌نامه.....
-----	----------------

۱۶۴	فهرست منابع.....
-----	------------------

فهرست تفصیلی

مقدمه مترجم: آشنایی با فلسفه اخلاق	۲-۴۷
۱. اخلاق هنجاری	۷
۲.۱. نظریات اخلاقی	۸
۱.۲.۱. نتیجه‌گرایی	۸
۲.۲.۱. وظیفه‌گرایی	۱۰
۳.۲.۱. فضیلت‌گرایی	۱۲
۲. فرا اخلاق	۱۶
۱.۲. مسائل معناشناختی	۱۷
۲.۲. مسائل معرفت‌شناختی	۲۰
۳.۲. مسائل وجودشناختی	۲۳
۴.۲. مسائل روان‌شناختی	۲۷
۱.۴.۲. رابطه انگیزش و الزام	۲۸
۲.۴.۲. آزادی اراده	۳۰
۵.۲. چالش واقع‌گرایی و غیر شناخت‌گرایی	۳۴
۳. سیر تاریخی فلسفه اخلاق در غرب	۳۶
۱.۳. دوره اول	۳۶
۲.۳. دوره دوم	۴۱
۴. آشنایی با برنارد ویلیامز	۴۴

۴۴	۱.۴. دفاع از غیر شناخت‌گرایی
۴۵	۲.۴. نقد اخلاق کانتی
۴۵	۳.۴. نقد سودگرایی
۴۶	۴.۴. توجه به دلایل درونی
۴۶	۵.۴. شانس اخلاقی

فلسفه اخلاق

۴۸-۱۱۱	نوشته برنارد ویلیامز
--------	----------------------

۴۹	مقدمه: درباره موضوع
----	---------------------

۵۳	۱- فلسفه اخلاق و فرا- اخلاق
----	-----------------------------

۵۶	۲- نظریه‌های اخلاقی
----	---------------------

۵۶	۱.۲. روش شناسی
----	----------------

۶۰	۲.۲. نتیجه‌گرایی
----	------------------

۶۴	۳.۲. حقوق و قراردادگرایی
----	--------------------------

۶۹	۳- فرا- اخلاق
----	---------------

۶۹	۱.۳. صدق و عینیت
----	------------------

۷۶	۲.۳. واقع‌گرایی و شناخت‌گرایی
----	-------------------------------

۸۳	۳.۳. نسبی‌گرایی
----	-----------------

۸۹	۴- روانشناسی اخلاقی
----	---------------------

۹۰	۱.۴. دلایل درونی و بیرونی
----	---------------------------

۹۵ فضایل	۲.۴
۹۵ زمینه	۱.۲.۴
۹۶ محتوا	۲.۲.۴
۹۷ وحدت	۳.۲.۴
۱۰۰ واقعیت	۴.۲.۴
۹۹ اراده آزاد	۳.۴

۱۰۸ کتاب‌شناسی

۱۱۲-۱۴۷ یادداشتهای مترجم

۱۱۲	۱. اصطلاح Ethics
۱۱۷	۲. تعادل اندیشه‌ورزانه
۱۱۹	۳. هیوم: عینیت‌گرا یا ذهنیت‌گرا
۱۲۳	۴. حقیقت اخلاقی
۱۲۵	۵. نظریات صدق
۱۲۷	۶. رابطه واقعیت و عینیت
۱۳۰	۷. برهان هارمن
۱۳۲	۸. فرافکنی و شبه واقع‌گرایی
۱۳۵	۹. تخصص اخلاقی
۱۳۹	۱۰. نسبی‌گرایی
۱۴۴	۱۱. درون‌گرایی ویلیامز

۱۴۸ فهرست اصطلاحات

۱۵۴ واژه‌نامه فارسی - انگلیسی

۱۵۴ واژه‌نامه فارسی - انگلیسی
۱۵۸ واژه‌نامه انگلیسی - فارسی
۱۶۲ چکیده انگلیسی
۱۶۴ فهرست منابع

مقدمه مترجم

آشنایی با فلسفه اخلاق

فلسفه اخلاق (Moral Philosophy)، نوعی مطالعه فلسفی در باب اخلاق است. در واقع فلسفه اخلاق یکی از شاخه‌های فلسفه است که با اخلاق، مسائل و احکام آن سروکار دارد.^۱ خوب یا بد دانستن یک فرد و صواب یا خطا دانستن یک عمل در بردارنده نوعی ارزیابی است. فلسفه اخلاق با این بعد از تجربه ما از ارزش یعنی با اندیشه اخلاقی سروکار دارد.^۲

معمولاً بهترین راه شناخت هر علم، شناخت موضوع آن است. موضوع فلسفه اخلاق را غالباً اخلاق معرفی می‌کنند. فلسفه اخلاق درباره اخلاق است و اخلاق دستگاهی از عقاید جاری جامعه است که در بردارنده منش‌ها و رفتار افراد آن جامعه و شامل بایدها و نبایدهایی درباره این رفتارها و منش‌هاست.^۳ به این معنا می‌توان آن را نشان‌گر «نهاد اخلاقی زندگی» نامید. در این معنا اخلاق چیزی هم‌عرض هنر، علم، دین، حقوق و البته متفاوت از آنها و تا حدی مرتبط با آنهاست.^۴ بنابراین شناخت اخلاق منوط به جداسازی آن از قانون، سیاست و آداب رسوم اجتماعی است. به طور مثال وجه تمایز اخلاق از سیاست آن است که سیاست بازتابی از مصالح اجتماعی است که معیار اصلی آن رأی اکثریت است، اما در اخلاق رأی اکثریت ملاک تعیین درست و غلط به حساب نمی‌آید.^۵

در باب شیوه برقراری تمایز میان مسائل اخلاقی و مسائل حوزه‌های دیگر، نظرات مختلفی مطرح

۱ - ویلیام کی. فرانکنا، فلسفه اخلاق، ترجمه: هادی صادقی، ص ۲۵.

۲ - دیوید مک ناوتن، بصیرت اخلاقی. ترجمه: محمود فتحعلی. ص ۱۹.

۳ - آ.راف. اتکینسون، درآمدی به فلسفه اخلاق. ترجمه: سهراب علوی نیا، ص ۱۶.

۴ - ویلیام کی. فرانکنا، پیشین، صص ۲۹ - ۲۸.

۵ - آ.راف. اتکینسون، پیشین. صص ۱۸ - ۱۷.

شده است. بعضی از این نظریات که به «نظریه‌های صوری» معروفند، معتقدند که احکام و مسائل اخلاقی را بر اساس بعضی از ویژگیهای صوری یا منطقی می‌توان متمایز ساخت. به طور نمونه آر، ام هیر، برای احکام اخلاقی سه ویژگی «توصیه‌ای»، «قابل تعمیم» و «درجه اول» بودن را بر می‌شمرد. در مقابل، «نظریه‌های مادی» معتقدند که احکام و اعتقادات اخلاقی، محتوا یا عملکرد متمایزی دارند.^۱ به طور مثال، ویلیام کی. فرانکنا، اخلاق را ابزاری اجتماعی برای ارشاد و راهنمایی گروه‌های کوچکتر می‌داند^۲ که یکی از مهمترین کارکردهای آن ایجاد تعاون اجتماعی است.

هم بر نظریات صوری و هم بر نظریات مادی، انتقاداتی وارد شده است. بر اساس نظریه هیر، هر مجموعه‌ای از توصیه‌ها، بدون هیچ‌گونه توجهی به محتوای آنها و صرفاً به شرط احراز معیارهای مطرح شده، می‌تواند در حیطه اخلاق وارد شود، حال آنکه به نظر فیلیپا فووت، معیارهایی وجود دارند که حتی پیش از بررسی احراز یا عدم احراز سه شرط فوق، به وضوح، در حیطه اخلاق وارد نمی‌شوند.

در نقد نظریه فرانکنا نیز گفته شده که کارکردی را که او معیار اخلاق می‌داند، ممکن است نظامی از آداب و رسوم نیز داشته باشد و به علاوه چه بسا نظریات متعارض اخلاقی سبب بروز تعارض اجتماعی شده، کارکردی مخالف کارکرد مورد نظر او ارائه دهند.^۳

در هر حال آنچه روشن است این است که مفهوم اخلاق در طول تاریخ و در حاشیه نظریات اخلاقی شکل گرفته است^۴ و شاید تعیین دقیق ماهیت آن بدون تحقیقات تاریخی وسیع امکان پذیر نباشد. بنابراین شاید بهتر باشد برای معرفی فلسفه اخلاق از شیوه‌ای غیر از تعیین موضوع، استفاده نمائیم. برخی معتقدند که این کار را می‌توان با ارائه فهرستی از مسائلی که در فلسفه اخلاق مطرح می‌شوند انجام داد. به منظور پیروی از این روش می‌توان ابتدا فهرستی از مطالعاتی را که به نحوی به اخلاق ارتباط دارند ارائه کرده، از آن میان، آن دسته از علوم را که در حیطه فلسفه اخلاق قابل طرحند، جداسازی نمود. به این طریق مشخص می‌شود که چه مسائلی باید در حیطه این حوزه مورد بررسی قرار گیرند. در مرحله بعد باید با نوعی بررسی تاریخی معین نمائیم که کدامیک از این مسائل واقعاً در حیطه

1 - DAVID COPP, Metha ethics, Encyclopedia of Ethics, ed: C.Becker, p 791.

۲ - ویلیام کی. فرانکنا، پیشین، ص ۲۹.

3 - DAVID COPP, op cit.

۴ - الک درویستکی، تاریخ علم اخلاق، ترجمه فریدون شایان، صص ۱۹ - ۱۸.

فلسفه اخلاق مورد بحث قرار گرفته‌اند.^۱

انواع مباحثی که به نحوی با تفکر اخلاقی در ارتباطند در قالب فهرستی از قرار زیر در می‌آیند:

۱- نوعی تحقیق تجربی، توصیفی و تاریخی که هدف آن توصیف نظامهایی از ارزشها و عادات زندگی گروههای خاصی از انسانهاست.

۲- نحوه‌ای تفکر هنجاری که از معیارهای کلی اخلاقی بحث می‌کند و در جستجوی معیار درستی و خوبی است.

۳- نوعی تفکر تحلیلی، انتقادی یا فرا اخلاقی که نظریه‌ها و قضاوتهای اخلاقی را موضوع تحلیل فلسفی قرار می‌دهد.^۲

۴- نوعی بحث و بررسی درباره خوبی یا بدی و درستی یا نادرستی افعالی خاص که به کاربرد اخلاق فلسفی در زندگی واقعی توجه دارد.

۵- مباحث عملی درباره تحصیل اخلاقیات و تخلق به اخلاق.^۳

مورد اول از این فهرست که غالباً «اخلاق توصیفی» (descriptive ethics) نامیده می‌شود، رویکردی به اخلاق، با روش تجربی و توصیفی است و در حیطه مطالعه مردم شناسان، جامعه شناسان، تاریخ دانان و روان شناسان قرار دارد.^۴ روش این نوع مطالعه روشی نقلی است نه عقلی. در واقع اگر چه کاملاً امکان دارد که تنظیم و تدوین این نظامهای حاکم بر زندگی، توسط فلاسفه صورت گرفته باشد. اما بررسی آنها با روش تجربی صورت می‌گیرد و در حیطه کار مردم شناسان است^۵، بنابراین نمی‌تواند از مباحث مربوط به فلسفه اخلاق محسوب شود.

آخرین مورد از این فهرست را نیز نمی‌توان در زمره مطالعات فلسفی اخلاق محسوب کرد چرا که مباحث این حوزه بیشتر جنبه عملی دارد و بنابراین نمی‌توان آن را مطالعه‌ای نظری دانست.^۶ حال آنکه

۱ - صادق لاریجانی، مجله کلام اسلامی، سال سوم، ش ۳، ص ۶۸.

۲ - ویلیام کی. فرانکنا، پیشین، صص ۲۶ - ۲۵.

۳ - صادق لاریجانی، پیشین، صص ۷۲ - ۶۹.

۴ - ویلیام کی. فرانکنا، پیشین، ص ۲۵.

۵ - راجر کریب. اخلاق و فرا اخلاق. ترجمه بهروز جندقی. مجله نقد و نظر، سال پنجم، شماره سوم و چهارم، ص ۳۹۸.

۶ - صادق لاریجانی، پیشین، ص ۷۲.

فلسفه اخلاق، نوعی رویکرد نظری نسبت به اخلاق است. اگر چه در فلسفه سنتی مباحث اخلاقی، در حیطه حکمت عملی قرار داشته‌اند اما باید توجه داشت که کل حکمت یا فلسفه، درکی نظری است و این درک نظری خود، به دو بخش نظری و عملی تقسیم می‌گردد، در بخش عملی، درک نظری در نهایت، به عمل منتهی می‌شود و وجه تسمیه آن به حکمت عملی نیز به همین خاطر است. بنابراین تفاوت حکمت عملی با علوم چون فیزیک و شیمی که در حیطه حکمت نظری قرار دارند از جهت علم نیست بلکه از جهت معلوم است. معلوم این علوم در محدوده اختیارات عالم به این علوم نیست. اما معلوم علم اخلاق در اختیار عالم اخلاق است.^۱ به بیان دیگر و به گفته ایمانوئل کانت: «کل فلسفه یا نظری است یا عملی. بخش نظری به نظام شناسایی می‌پردازد و بخش عملی به نظام رفتار موجودات مختار راجع می‌شود. تمایز فلسفه نظری از فلسفه عملی به موضوع آنهاست».^۲ بنابراین اگر چه فلسفه اخلاق تحت عنوان حکمت عملی قرار می‌گیرد، اما در واقع نوعی مطالعه نظری است و بحثهای عملی از نوع مورد آخر، در حیطه آن نمی‌گنجد. در واقع اگر بخواهیم در این مبحث تقسیم‌بندی دقیق‌تری ارائه کنیم بهتر است به نکته دیگری که کانت آن را مطرح ساخته، توجه نمائیم. وی معتقد است که تقسیم فلسفه و حکمت به دو بخش نظری و عملی از لحاظ موضوع است و در کنار این تقسیم نوعی تقسیم‌بندی دیگر به عملی و نظری وجود دارد که کل شناخت را قطع نظر از موضوعات آن در برمی‌گیرد. شناخت نظری به قضاوت درباره موضوع می‌پردازد و شناخت عملی به تولید آن. به این معنا یک فیزیک نظری وجود دارد و یک فیزیک عملی و اگر چه موضوع این هر دو شناخت، یکسان است اما تفاوت آنها در صورت است.^۳ بنابراین اگر چه هم موضوع فلسفه اخلاق و هم موضوع اخلاق عملی، افعال اختیاری انسان است، اما این دو علم در صورت متمایزند، فلسفه اخلاق صورت نظری دارد و اخلاق عملی، صورت عملی.

از فهرست مورد نظر موارد اول و آخر، خارج از حیطه فلسفه اخلاق معرفی شد، سه مورد باقی مانده یعنی اخلاق هنجاری، فرا اخلاق و اخلاق کاربردی سه موضعی هستند که در حیطه فلسفه اخلاق قابل طرحند. البته مسأله مطرح شدن یا مطرح نشدن بالفعل این مسائل در حوزه فلسفه اخلاق، مسأله‌ای

۱ - مهدی حائری یزدی. کاوشهای عقل عملی. ص ۱۱ - ۵.

۲ - ایمانوئل کانت. درسهای فلسفه اخلاق. منوچهر صانعی دره بیدی. ص ۱۴.

۳ - همان.